

نام: ایاد علاوی  
سمت: نخست وزیر سابق عراق و رهبر جنبش «وقایع ملی»  
سال تولد: ۱۹۲۵  
جانشین: ابراهیم صوفوی

# Ayad Allawi



ایاد علاوی و سودای بازگرداندن  
بعثی ها به حاکمیت در عراق

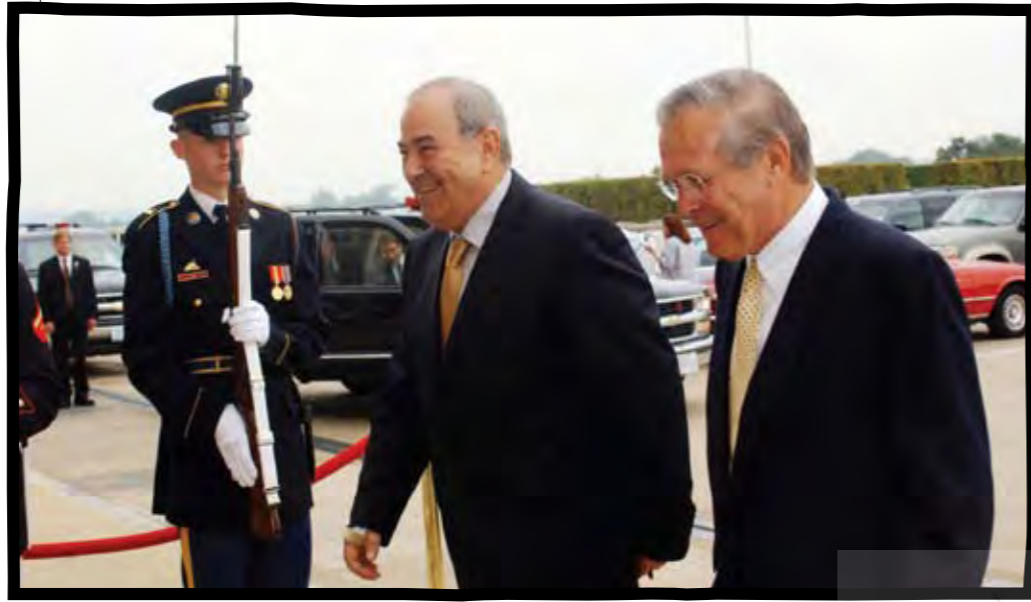
## دیکتاتور نابالغ

تا پیش از حمله آمریکا به عراق کمتر کسی از مردم عادی عراق ایاد علاوی را می شناخت، اما بعد از حضور آمریکایی ها این چهره هم سری بین سرهای رجال سیاسی عراق در آورد. مردی که خود سال ها یک بعثی بوده و بعد از کودتای اول حزب بعث مدت ها با صدام در یک زندان به سر می برده، گزینۀ اول آمریکا برای نخست وزیری عراق بود. اما این گزینۀ در نظر مردم عراق همان ایرادهایی را داشت که صدام بعثی بود و سال ها با بسیاری آمریکارابطه داشت.

ایاد علاوی، نخست وزیر موقت سابق عراق و رهبر جنبش وقایع ملی، در سال ۱۹۴۵ به دنیا آمد. پدرش بغدادی و مادرش لبنانی بود. البته هر دو شیعه. آمریکایی ها بعد از سرنگونی رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ او را به عنوان یکی از اعضای هیأت ۲۵ نفره «شورای حکم» انتخاب کردند و بعد هم تا زمان برگزاری انتخابات در عراق و تعیین نخست وزیر جدید، نخست وزیرش کردند. علاوی قدرت را از پل برمن، حاکم آمریکایی عراق تحویل گرفت و تا هنگام پیروزی ائتلاف عراق یکپارچه در انتخابات پارلمانی عراق و معرفی ابراهیم جعفری به عنوان نخست وزیر جدید این سمت را بر عهده داشت. اما او ارج و قربش نزد آمریکایی ها را یک شبه به دست نیاورد.

علاوی از معدود بعثی های شیعه ای بود که همزمان با گرفتار شدن همدستان صدام و البکر، مدتی بعد از کودتای اول حزب بعث در عراق، دستگیر و زندانی شد. او آن زمان دانشجوی پزشکی بود. برای علاوی جوان سخت بود که شاهدر فتار تبعیض آمیز زندانبانان با صدام به نسبت بقیه بعثی هادر زندان باشد: «دوران زندان برای صدام دوران سختی نبود. حتی مسؤولان زندان بین ما و او تبعیض قائل می شدند. بیشتر افراد ما در شرایط سخت یکی از راه گاه ها نگهداری می شدند. مثلاً عبدالکریم شیخلی که به برادر دوقلوی صدام معروف بود زیر شکنجه های سختی قرار داشت. یک بار با جوانان برای اعتراف گرفتن از او، پشتش میخ فرو کردند. یا یک بار دیگر او را به جیب بستند و دور او دو گاه روی زمین کشیدند که به شدت زخمی شد. اما صدام جدا از دیگر زندانبانان بود.» آن زمان هنوز علاوی علت این تفاوت رفتار طرفداران حکومت عارف را با صدام درک نمی کرد. نمی دانست چرا صدام را در دانشکده تربیت پلیس (افسری) نگه می داشتند که شرایط زندگی در آن به نسبت دیگر اردو گاه های نگهداری بعثی ها مثل زندگی در یک اردو گاه تقریبی بود. حتی نمی دانست چرا با اینکه مأموران امنیتی بیشتر از سی گزارش علیه

علاوی «جنبش وفاق ملی» اش را با بودجه «سیا» و حمایت آمریکا راه انداخت



صدام منتشر کرده اند که کمترینش قاچاق سلاح از سوریه به عراق بود باز مسؤولان حکومتی چشمشان را به روی همه این گزارش های می بندند. او و دوستانش فقط شک کرده بودند. گمان می کردند علت این سخت نگرفتن ها این است که صدام برای حکومت عارف جاسوسی می کند.

علاوی نتوانست در دستگاه صدام که بعد از کودتای دوم حزب بعث قدرت مطلق عراق شد میان بعثی ها جای داشته باشد. او به صدام شک داشت و همین کافی بود تا از صدام و دار و دسته اش فاصله بگیرد. اما در باره علت رفتار زندانبانان با صدام اشتباه می کرد. هم او و هم دوستانش. واقعیت این بود که همه در عراق از سیا حساب می بردند و صدام مخفیانه با بسیاری رابطه داشت. رابطه ای که سال ها بعد دو نویسنده آمریکایی به نام های ماریون فاروک اسلاگلت و پیتر اسلاگلت از آن پرده برداشتند. صدام هیچ وقت نتوانست رابطه اش با سیا فاش شود. برای همین هم بود که هر کسی را که در این باره چیزی می فهمید سر به نیست می کرد.

بالاخره روزی رسید که علاوی هم راز موفقیت صدام را فهمید. فهمید در سایه ارتباط با سیا و سرویس جاسوسی انگلیس، ام آی، سیکیس، چه کارها که نمی شود کرد. این شد که سال ۱۹۷۷ که در انگلستان مشغول تحصیل پزشکی بود با هر دو این سازمان ها ارتباط برقرار کرد. حالا می فهمید چطور صدام یک شبه لیست کامل کمونیست های بغداد را رو می کرد و همه رفقای حزبی را انگشت به دهان باقی می گذاشت.

یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۸، صدام که معاون رئیس جمهور عراق شده بود از عوامل اطلاعاتی اش در انگلیس خواست تا داخل علاوی را بیابند، اما علاوی جان سالم به در برد و مدتی بعد به آمریکا رفت. در آنجا او با بودجه و حمایت سیا جنبشی به اسم «جنبش وفاق ملی عراق» تأسیس کرد که مخالف حکومت صدام بودند و بیشتر اعضایش بعثی های بریده از دستگاه صدام بودند که به آمریکا گریخته بودند.

آمریکا که به عراق حمله کرد این جنبش هم خودش را در زمره جنبش های مخالف حکومت صدام که بیرون از عراق علیه حکومت صدام مبارزه می کردند جا کرد. بعد بلافاصله در انتخابات عراق لیست داد و ده درصد کرسی های پارلمان عراق را در اختیار گرفت. اما نه آمریکایی ها و نه علاوی هیچ کدام فکرش را هم نمی کردند ائتلاف عراق یکپارچه که متشکل از شیعیان متفرد از حزب بعث بود بتواند اکثریت نسبی کرسی های پارلمان عراق را به دست آورد. اما هم او و هم آمریکایی ها باید هزینه دموکراسی را

می پرداختند. آنها باید تا انتخابات بعدی چهار سال صبر می کردند. حالا چهار سال از آن روزها گذشته. در آستانه انتخابات عراق، علاوی با تمام وجود آمده تا یک بار دیگر رؤیای آمریکایی ها را محقق کند. او و حزبش عزمشان را جزم کرده اند حزب بعث را یک بار دیگر احیا کنند. با بازماندگان بعث ائتلاف می کنند، با بازماندگان گروهک رجوی ائتلاف می کنند تا هر طور شده نظر مساعد عربستان و شیوخ منطقه را به خود جلب کنند و با جلب کمک های مالی و رسانه ای آنها بارشان را برای چهار سال بعد در پارلمان عراق ببندند. اما در عین حال از جنبه های دیگر ماجرا هم غافل نیستند. چه در عوام فریبی و چه استفاده از روش های دیگر حذف رقبا. علاوی در همان زمان که هنگام پایان جنگ آمریکا علیه عراق با اقدام داشتند، گران در انحلال حزب بعث و ارتش عراق مخالفت کرد و آن را باعث افزایش هرج و مرج دانست. به حمله نظامی گسترده ارتش آمریکا به فلوچه هم معترض بود: چیزی که باعث افزایش محبوبیت همزمان او در بین بعثی ها و سنی های عراق شد. از طرف دیگر او نشان داده در صورت لزوم از ائتلاف پنهانی با تروریست ها هم ابایی ندارد. نظیر اتفاقی که مدتی قبل افتاد و مدیر مرکز فرماندهی نیروهای ملی در وزارت کشور عراق از روابط علاوی با گروه تروریستی «جند السماء» پرده برداشت. جند السماء که قصد ترور آیت الله سیستانی و تعداد دیگری از علمای نجف و تسلط بر حرم شریف علوی را داشت در درگیری با نیروهای نظامی و امنیتی عراق ۲۲۰ نفر از افسرادش را در حومه نجف از دست داد. اما سر مار هنوز قطع نشده و گروه قصد دارند با برخورداری از یک رهبر جدید عملیات هاییشان را یک بار دیگر در عراق شروع کنند. کسی چه می داند، شاید این رهبر جدید از استین علاوی بیرون بیاید.

در روزهایی که در عراق همه از انتخابات حرف می زدند گروه علاوی نغمه «احتمال تقلب در انتخابات» را ساز کرده بود. حربه ای که ظاهر آفران است از این به بعد فصل مشترک تمام انتخاباتی باشد که در منطقه خاورمیانه و حول و حوش آن روی می دهد: دپروز افغانستان و امروز عراق. البته به شرط آنکه کاندیدای مورد حمایت آمریکا را نیابد. آیا هنوز هم در میان احزاب شیعه عراق کسی هست که فریب شیعه بودن علاوی را بخورد؟ ■

بالاخره روزی رسید که علاوی هم راز موفقیت صدام را فهمید. فهمید در سایه ارتباط با سیا و سرویس جاسوسی انگلیس، ام آی، سیکیس، چه کارها که نمی شود کرد